کاشی ماندگار سر در خانه محمود دولت‌آبادی

نصب «کاشی ماندگار» با تلاش سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به خانه خالق «کلیدر» رسید تا خانه «محمود دولت‌آبادی» نیز به نقشه فرهنگی گردشگران اضافه شود. مدیر روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در این باره به ایسنا گفت: چهارشنبه هشتم شهریور کاشی ماندگار سر در دو خانه متعلق به محمود دولت‌آبادی نصب شد، که یکی از آن‌ها در منطقه کُردان و دیگری در شهر تهران است.

ناگهانِ شعر

جواد سنجری

■ ۱
بهار رفته و دار دبهار می آید
جوانی ام تو که باشی دوبار می آید
به قول حضرت سعدی برای دیدن توست
وگرنه چشم برای چه کار می آید
تو می‌رسی و پر از رفت و آمدست سرم
قرار می رود و بی قرار می آید
غروب می‌رسد و لحظه های رفتن تو
دوباره غربت این روزگار می آید
به فکر گوشه آرام و امن ساحل نیست
کسی که با شب دریا کنار می آید

■ ۲
اگر به سرباز های مرده اضافه ام کردید
با دنیا نتوانستم
باغی که در باران می سوزد
تلفیق یأس و امید است
رویم را بر گردان که زنده ام هنوز
با چشم های بسته
با زخمی که پهنای صورتم را گرفته
از ترس ایستاده ام
مرگ هر روز می آید و می گذرد
از من
درختی هستم
در حیاط خانه یک نجار

■ ۳
سلام زخم دهان وانکرده در غربت
نکشته است تورا مثل من اگر غربت
سلام وسعت تنهایی ام در این زندان
رفیق گم شده در های هوی سنگستان
سلام رفته ازین خانه بی خیال دلم
سلام حال دلم را بپرس حال دلم
سلام، پرشده ام از غروب بعد از تو
سلام تلخی دوران خوب بعد از تو
سلام بی تو جواب سلام ها سرد است
زمانه بعد تو دیگر رفیق، نامرد است
میان مردم شهرم غریبه ام بی تو
عجیب پر شدم از ساکنان غم بی تو
شبیه دشت نگاهم به آسمان مانده
تو رفته ای و برایم دو استکان مانده
تمام زندگی ام از امید خالی شد
بدون اشک تو دوران خشکسالی شد
گذشتی از سر سرباز کشورت بانو
کجاست مرد سرافراز کشورت بانو؟
شراب چشم تو در بزم کیست این شب ها
که حال و روز دلم دیدنی است این شب ها
سلام از من دیوانه انتظاری نیست
قرار بود ببایی مرا قراری نیست
قرار بود ببایی بهار برگردد
به خانه اش دل بی اختیار برگردد
قرار بود قراری که با دلم داری
برای روز شکستن کنار بگذاری
چقدر بی سر و سامانی ام فراوان است
سکوت می کنم این انتهای انسان است
نشسته ام که بیاید رفیق دیرینم
شبیه دشت که در انتظار باران است
کجای جنگل آتش گرفته ام هستی
که دور من شده دیوار و شعله زندان است
به فال حافظم افتاده چند وقتی هست
که روز آه من و خنده رقیبان است
نه رغبتی که بیایم به سوی آزادی
نه خانه ای که بگویم چقدر ویران است
دوای این همه دلتنگی ام فقط دست
رفیق روز مبادای موپریشان است
سلام بی تو جواب سلام ها سرد است
زمانه بعد تو دیگر رفیق، نامرد است
همیشه در چمدانت هوای رفتن بود
که قول آمدنت هم برای رفتن بود
چقدر بی سر و سامانی ام فراوان است
سکوت می کنم این انتهای انسان است

هنرهای تجسمی

نقاشی «لا فتی الا علی» اثر حسن روح‌الامین رونمایی شد

در دهه ولایت، جدیدترین نقاشی حسن روح‌الامین با موضوع دلاوری حضرت علی(ع) در جنگ احد رونمایی شد. به گزارش فارس، حسن روح‌الامین نقاش جوان و عاشورایی کشورمان در آستانه عید غدیر از جدیدترین اثر خود با موضوع «جنگ احد» رونمایی کرد. در این مراسم که عصر روز گذشته در تالار وحدت برگزار شد، تابلوی «لا فتی الا علی» به نمایش در آمد. بر اساس این گزارش، روح‌الامین متولد ۱۳۶۴ در تهران است؛ او مقطع متوسطه را در هنرستان پشت سر گذاشت و با علاقه‌ای که به رشته نقاشی داشت، وارد دانشگاه شد.

■ توضیح
در خبر گشایش انجمن ادبی اخوان که روز گذشته چاپ شد نام مهدی آخرتی به اشتباه مرتضی آخرتی درج شده بود که تصحیح می‌شود.

محسن، از آسمان خبر آورده‌ای مگر؟

سید عبدا...حسینی
شاعر و مدیر مرکز اسلامی آفریقا

این محسن آقا که دیگه سرش به آسمون رسیده و با سلطان کربلا همنشین شده است. ازون روز که رفته، دل منو که هیچ، یه عالمه دل رو با خودش برده است.
شهید، این قد تو دل برو شنیده بودم ولی ندیده بودم.
قدیما که ایمیل، تلگرام و اینستا نبود خبرا رو با اسب می‌بردند. به خصوص اگه یه قهرمانی از جنگ برمی گشت و دشمنشو کشته بود و یه سر هم تو دستش بود. خیلی با شتاب اسبشو می‌روند که زودتر خودشو به آبادی برسونه و سر دشمن و بهش نشون بده و پیروزی شو جشن بگیره و افتخار کنه. مردم از دور، اسب نمی‌دیدند ولی گرد و خاک تازیدن اسبو می‌دیدند. می فهمیدند خبر مهمیه که این قدر گرد و خاک می کنه و میاد. گاهی هم یکی رو می‌دیدند که گرد و خاک کرده اومده. از راه که می‌رسید ازش می‌پرسیدند چه خبرته این قدر گرد و خاک به پا کردی مگه سر آوردی.
حالا این حکایت محسن ماست. محسن ما که این همه گرد و خاک کرده، هم سر آورده هم سر نیاورده.
از یه طرف بهش حق می دم این همه جهان رو به هم ریخته. خب سر آورده دیگه حق داره.
از یه طرف بهش میگم آقا محسن چه خبرته مگه سر آوردی. اگه آوردی. خب کو؟ به من نشون بده. من که سری رو پیکرت نمی بینم.
شهادتش چه رستاخیزی به پا کرده تماشایی. دوست اهل سنت من تو آفریقای جنوبی عکس پروفایل واتس اپش رو گذاشته محسن ما. اون رفیق جوون تازه ازدواج کرده دیگه ام که تو عمانه بهم پیام داده گفته من همه چیم شبیه محسنه، کاش مرگم هم شبیه محسن بشه. خوب که دقت کردم دیدم آره حتی از نظر صورت شبیه محسن آقاست.
خلاصه شرق و غرب جهان رو یه شبه رفته.
حالا هم اون جوری که مامان آسمونیش میگه به قولش وفا کرده و سر قولش مونده و گفتند روز قشنگ عرفه بر می گرده.
من خیلی کم جمکران میرم. امروز منو این آقا محسن به یه بهانه ای از تهران کشید اونجا. کاری هم که اونجا داشتم انجام نشد. ولی تو صحن که بودم این یه بیت اومد.
محسن از آسمان خبر آورده ای مگر
این گرد و خاک چیست سر آورده ای مگر
این یه بیت رویقین دارم خود محسن آقا انداخت به ذهنم. فوری فرستادمش به همه دوستام. یه موجی ایجاد شد.
یهو دیدم دویست تا پیام اومد واسم. خیلیا خودشون یه بیت شعر گفته بودند که یکی شو دوستم پاک آیین گفته بود که از قضا اسمشون محسنه.
همچون حسین، از چه سرت روی نی نشد
در اقتدا به یار، اگر آورده ای مگر
عجیب اینه که من از این آقای پاک آیین تو دوستی ۲۵ ساله ای که داریم همه چی دیدم غیر از شعر. اونم این قد زیبا که من این بیت رویه کم تغییر دادم گذاشتم جزو غزل.
بر نی چرا ندیدمت ای یار سربلند
در اقتدا به گل اگر آورده ای مگر
دیدم آقا محسن به خیلیا داره کمک می کنه اشک خودم رو این بیت درآورد. فهمیدم کار خودشه. یاد کانال دوست شاعرم سید حسین متولیان افتادم که یه کانال باحال راه انداخته اسمش رو گذاشته تالیفات شهید محسن حججی. ازش پرسیدم. مگه محسن دانشمند بود. گفت: نه ولی هر که از محسن گفت با الهام از خود محسن بود در نتیجه همه شعرا و داستانا کار خود خودشه. یه مجموعه هم داره چاپ می کنه از اشعاری که برا محسن سروده شده، اسم قشنگش رو گذاشته سرزده. بعد رو جلدش نوشته به اهتمام شهید محسن حججی.
ماهم که برا چهلمش می خوایم قیامت کنیم. یه سوگواره با عنوان یادواره ادبی هنری سردار بی سر در دست اجرا است که از هنرمندای خوب مون تا مردم و مسئولان همه اومدن پای کار آقا محسن. علی کوچولو هم دست مادر آسمانیش رو قرار بگیره بیاردش تو مراسم.
خلاصه من که این بیت رو گفتم فکر کردم کار خودم رو کردم. ولی مگه آقا محسن گذاشت. از صبح تو جمکران یه سره با من بود تا الان که برگشتم تهرون. نتیجه الهامات آقا محسن این شد.
حالا می خوای شعر آقا محسن و بخونی بسم ا....

محسن، از آسمان خبر آورده ای مگر
این گرد و خاک چیست سر آورده ای مگر
پیغمبر جهاد و شهادت از اوج عرش
پیغام تازه بر بشر آورده ای مگر
دنیا به احترام تو از جا بلند شد
با خویش رایت ظفر آورده ای مگر
ایران ز شوق دیدنت آمد به پیشواز
سوغات عشق از سفر آورده ای مگر
خونت گرفت تل عَفر را ز دشمنان
بیرون تو آه از جگر آورده ای مگر
آورده ای برای پدر از پسر خبر
یا بهر کودکت پدر آورده ای مگر
بر نی چرا ندیدمت ای یار سربلند
در اقتدا به گل اگر آورده ای مگر
زینب دوید سوی تو تا پرسد از حسین
از قتلگاه گل خبر آورده ای مگر

موسیقی

لغو کنسرت بندر عباس خواننده مشکی

رضا صادقی در احترام به بازماندگان حادثه واژگون شدن اتوبوس حامل دختران هرمزگانی، کنسرت خود در بندرعباس را لغو کرد. به گزارش خبرگزاری میزان، رضا صادقی که قرار بود دهم شهریور در سالن "شهید آوینی" بندرعباس روی صحنه برود، کنسرت خود را پس از وقوع حادثه تلخ واژگونی اتوبوس حامل دانش‌آموزان هرمزگانی به زمان دیگری موکول کرد و هنوز تاریخ دقیق آن مشخص نشده است. رضا صادقی در صفحه اینستاگرامش توضیح داد: عادت ندارم بر خلاف نگاه قلبم ببینم. با تمام احترام و باور قلبی و اجازه مردم نازنین شهرم، کنسرت را موکول می کنیم به زمان دیگر؛ برای همدردی با خانواده‌های داغدیده حادثه دختران معصوم هرمزگانی‌ام. ممنونم از تهیه کنندگان و دست‌اندرکاران کنسرت امشب که همراه این باور و تصمیم بودند. تمام قلبم برای این دختران پاک و معصوم مچاله شد. هرمزگان تسلیت. صادقی تلاش کرده در آلبوم جدیدش به مشکلات اجتماعی و همچنین مسائل سرزمینش بپردازد و جدیدترین اثر موسیقایی خودرا با چنین رویکردی تولید کرده است. خواننده آلبوم «همین» در کنسرت تابستانی خود ضمن اجرای آثاری از آلبوم جدیدش، مجموعه ای از قطعه های پرطرفدار و خاطره‌انگیزش را روی صحنه برد که از جمله آن‌ها می‌توان به «مشکی رنگ عشقه» «وایسا دنیا» و «دوستت دارم خدا» اشاره کرد. رضا صادقی به تازگی قطعه «تو که حساسی» را به صورت دوصدایی با بابک جهانبخش منتشر کرده که تا حدود زیادی مورد استقبال طرفداران این خواننده مشکی پوش و همچنین طرفداران بابک جهانبخش قرار گرفت.

حامد زمانی قطعه «شمشیر» را در فضای اجتماعی منتشر کرد

حامد زمانی جدیدترین تک آهنگ خود را با عنوان «شمشیر» در فضای اجتماعی منتشر کرد و گفت که این قطعه راوی تنهایی و زجر آدمی است. به گزارش ایرنا حامد زمانی، که پیش از این و با آغاز روند جدید فعالیت هایش آثاری را به تهیه کنندگی خود روانه بازار کرده بود، افزود: تک آهنگ «شمشیر» چهارمین اثری است که ذیل نام استودیو «ایستاده» و به تهیه کنندگی خودم تولید می‌شود. به لحاظ محتوایی یک اثر اجتماعی است که این روزها تنها دغدغه ذهنی من است.
وی ادامه داد: موسیقی اجتماعی یعنی حرف مردم؛ درد جامعه. برای همین است که دو سال است خودم تهیه کنندگی کارهایم را برعهده می گیرم. چون تهیه کنندگی موسیقی در کشور ما فقط در انحصار موسیقی عاشقانه‌هاست. شمشیر نماد هویت، سنت و عقیده ماست که به ما امانت رسیده. چیزی که اگر گم شود به تبعش اخلاق هم گم می‌شود. شمشیر؛ معیار است و جداکننده مرد از نامرد. نه می خرد و نه خریده می شود. تلخ است و برنده... نه با کسی تعارف دارد و نه با کسی دم‌خور می‌شود؛ نه رنگ می‌بازد و نه زنگ می‌زند. خالص و پاک است؛ برای همین از کسی نمی‌ترسد! خواننده «شمشیر» گفت: در یک کلام؛ قطعه شمشیر راوی تنهایی و زجر آدمی است که در دنیای مدعیان ترس و جایگاهی ندارد. دنیایی که سپر و نقاب داشتن در آن به صرفه است نه شمشیر! حامد زمانی در حال تولید و طی مراحل اخذ مجوزهای نخستین آلبوم رسمی خود است.

انتشار قطعه «زنجیرش کنید» با صدای محمد معتمدی

قطعه موسیقایی «زنجیرش کنید» از آلبوم «نام من عشق است» به آهنگ‌سازی میدیا فرج‌نژاد و آواز محمد معتمدی منتشر شد. به گزارش مهر، «زنجیرش کنید» اثری با شعری از علیرضا کُلیایی است که موسیقی آن را میدیا فرج‌نژاد ساخته و محمد معتمدی در آن به عنوان خواننده حضور دارد. در توضیح قطعه «زنجیرش کنید» آمده است: «شعر این اثر بار دراماتیک دارد و دارای فُرمی خاص است که همین ویژگی‌ها ساختن موسیقی برای این شعر و اجرایش را دشوار کرده است اما میدیا فرج‌نژاد در ساختن موسیقی آن موفق بوده و محمد معتمدی هم علاوه بر خواندن شعر، آن را بازی کرده است. در واقع، محمد معتمدی در اثر «زنجیرش کنید» یک خواننده بازیگر است.» «زنجیرش کنید» یکی از قطعه‌های آلبومی با نام «نام من عشق است» است که پس از ماه محرم و صفر در بازار موسیقی منتشر می‌شود.

ناگفته‌هایی از رئیس معزول مؤسسه صبا درباره تابلوهای جنجالی

تابلوها در شرایط بدی نگهداری می‌شوند

در پی نامه نگاری ها و یادداشت های اینستاگرامی هنرمندان درباره ماجرای ۵۰۰ تابلوی فرهنگستان و اعتراضی که رئیس فرهنگستان به این موضوع داشت، حالا حجت امانی - سرپرست پیشین موسسه فرهنگی هنری صبا وابسته به فرهنگستان هنر - که در پی این اتفاق‌ها از سِمت خود برکنار شد، در گفت‌وگو با ایسنا درباره مشکلات به‌وجودآمده برای ۵۰۰ تابلویی که رئیس فرهنگستان هنر موضوع آن‌ها را رسانه‌ای کرده است، توضیح داد: پیش از آن که من در فرهنگستان حضور پیدا کنم، شرکت یادشده با فرهنگستان هنر قرارداد داشت و سال به سال تمدید می‌شد.
این پژوهشگر معاونت پژوهشی فرهنگستان هنر همچنین گفت: من حدود ۱۱ سال با فرهنگستان هنر ارتباط داشتم و حدود یک ماه است که برکنار شده‌ام. در طول سال‌های فعالیتم، خیلی کم دیدم هنرمندان در فرهنگستان هنر حضور پیدا کنند. جلسات هیئت امنا نیز خیلی کم برگزار می‌شد و اگر برگزار می‌شد، معمولا اعضا، نماینده‌های خود را برای شرکت در جلسه می‌فرستادند، زیرا فرهنگستان در زمان مدیریت اخیر جدی گرفته نشد و کارها بیشتر دلی انجام می‌شد. اکنون فعالیت‌های فرهنگستان هنر بیشتر به برنامه‌های جنبی معطوف شده است.
او همچنین درباره شرایط نگهداری تابلوهایی که در فرهنگستان هنر وجود دارند، گفت: آثار در شرایط بدی نگهداری می‌شوند.
فرهنگستان هنر از نظر موقعیت، در مرکز شهر تهران قرار دارد، به همین دلیل آلودگی هوا در آن منطقه زیاد است. از طرفی گرد و خاک حاصل از گودبرداری ساختمان‌های اطراف نیز این آلودگی را بیشتر کرده است. همچنین گرمای هوا و کنترل نکردن آن نیز از جمله عواملی است که موجب تخریب آثار می‌شود.
امانی درباره این که مشخصا سندی وجود دارد که تأیید کند آثار موجود در فرهنگستان هنر به چه کسی متعلق است؟ توضیح داد: من اسناد بانک را ندیده‌ام و فرهنگستان هنر نیز نگار خانه خود را تحت عنوان اجاره در اختیار شرکت «پارس آرین» قرار داده است. بانک پاسارگاد ابتدا با ۱۳۰ اثر شروع کرد و در این مدت، آثاری را خرید و به آن مجموعه اضافه کرد که در نهایت به یک مجموعه ۵۰۰ اثری تبدیل شد. من با این موضوع که مالک آثار چه کسانی هستند، کاری ندارم؛ مشخصا مسئله من این است که چرا قراردادی تمدید شده که مشکل داشته است؟ اگر مشکلی وجود داشته، چرا در سال‌های قبل حاضر به تمدید آن شده و حالا با آن مخالفت کرده‌اند؟!

خوشنویسی

نستعلیق را یانه‌ای حس ندارد

عضو انجمن خوشنویسان ایران معتقد است: خطوط نستعلیق رایانه‌ای نه تنها انگیزه‌ای در مخاطب ایجاد نمی‌کند، بلکه حسی در خود ندارد و کاملا مصنوعی است. به گزارش فارس، حشمتا... نوروزی گودرزی از خوشنویسان حوزه هنری با اشاره به زندگی ماشینی عصر حاضر گفت: ورود فناوری جدید در جامعه، تبدیل به مانعی برای بسترسازی برای حضور افرادی شده است که علاقه‌مند هستند در عرصه‌های هنری به‌ویژه خوشنویسی وارد شوند. چرا که شاهد آن هستیم که کتاب‌های ادبی و عرفانی با فونت نستعلیق رایانه‌ای چاپ می‌شوند. این خط نه تنها انگیزه‌ای در مخاطب ایجاد نمی‌کند بلکه از آنجا که رایانه‌ای است، حسی در خود ندارد و کاملا مصنوعی است.
عضو انجمن خوشنویسان ایران، استفاده از فونت‌های نستعلیق رایانه‌ای را در کتاب‌های ادبی و عرفانی، فاجعه دانست و گفت: این یکی از نمودهای حضور فناوری در زندگی است.
در عین حال در بسیاری از موارد شاهد آن هستیم که عموم جامعه حاضرند ده‌ها هزار تومان برای خوراک خود هزینه کنند اما برای کتاب خوشنویسی که بسیار فاخر و ارزشمند است هزینه نمی‌کنند و می‌گویند، کتابی می‌خریم که قیمت آن کمتر باشد و به خط آن کاری نداریم. نوروزی گودرزی در ادامه با اشاره به نبود حمایت مسئولان از هنر اظهار کرد: همه سختی‌ها بر عهده هنرمند است. گویا هنرمند باید به تنهایی تلاش کند و زحمت بکشد تا بتواند به جایگاهی در شأن خود دست یابد. در این میان، حمایتی از سوی مسئولان وجود ندارد و اوضاع مناسبی را در عرصه اقتصاد هنر شاهد نیستیم.
این هنرمند خوشنویس در پاسخ به این که خوشنویسی از جمله هنرهایی است که در حراجی‌های هنری مورد استقبال قرار می‌گیرد پس چگونه است که از نبود اوضاع مناسب اقتصادی در این عرصه سخن گفته می‌شود، گفت: بهتر است درباره سیاست گذاری حراجی‌هایی که در کشورمان انجام می‌شود، صحبت نکنم. هرچند خیلی خوب است که این اتفاق می‌افتد اما خط قرمزهایی وجود دارد که ترجیح می‌دهم درباره آن‌ها صحبت نکنم.
فوق ممتاز انجمن خوشنویسان ایران افزود: خوشنویس با توجه به آن که تمام عمر خود را برای هنر گذاشته است، به عنوان نخستین هدف، پرداختن به هنر برای نیازهای درونی و رسیدن به کمال را مد نظر دارد. وی ادامه داد: انسان همواره به دنبال دست یافتن به شرافت و تعالی است و اگر هنر، مقدس باشد این وظیفه را بر عهده دارد. در عین حال، هنرمند به این امر متعهد می‌شود که هنر خود را در خدمت مردم و جامعه قرار دهد. تغییرات و تاثیراتی که در روحیه افراد خواهد گذاشت مورد توجه است.